

« فَوَيْلٌ لِلْمُصَلِّينَ »

عنوان بحث: « فَوَيْلٌ »: معنا و حقیقت « وَیْل »

وِیْل به معنای « وای » بیانگر محرومیت از عوامل خوشایند و ابتلاء به امور نامطلوب است.^۱

و این معنا در مورد همه قوای وجودی انسان صادق است. مثلاً، « وای » در مورد قوه خیال به مفهوم محرومیت از ادراک مناظر زیباست و همین برخورد با عوامل نامطلوب است که انسان را در موقعیتی قرار میدهد که در آخرت به صورت موقفی از مواقف جهنم مجسم می شود.^۲

حضرت امام (رحمه الله علیه) می فرمایند: «پس اعمال صحیحه و اعتقادات صحیحه بصور نورانیه ی نیکو منظری ظاهر می شوند که باعث می شوند کمال سرور و ابتهاج را از برای صاحبشان و اعمال سیئه و اعتقادات باطله ظاهر می شوند به شکل صور ظلمانیه متقبحه که باعث شوند برای صاحبشان غایت اندوه و دردناکی را چنانچه جماعتی از مفسرین گفته اند در ذیل آیه شریفه "یوم تجد کل نفس ما عملت من خیر محضراً و ما عملت من سوء تودّ لو أن بینهما و بینه املاً بعیداً."»^۳

وِیْل، همچنین بر حقیقتی تکوینی دلالت می کند، بدین معنا که انسان همانگونه که در عالم دنیا از اعضاء و جوارحی برخوردار است که به او هیئت انسانی می دهد در آخرت هم برای داشتن هیئت انسانی به اعضاء و جوارحی نیازمند است که بتواند به کمک آن از نعمات آن برخوردار شود و لازمه داشتن هیئت انسانی در آخرت بنابر قول حضرت امام رحمه الله علیه ظهور صفات و کمالات انسانی در دنیا است.^۴

آری، باید روح انسان باشد تا صورت عالم برزخ و آخرت صورت انسان باشد نقل است از رسول مکرم اسلام صلی الله علیه و اله و سلم که فرمودند: «بعضی مردم در قیامت محشور می شوند به صورتهایی که نیکوست پیش آنها میمون (ها) و خوکها.»^۵

بنابراین، «ویل» بیانگر محرومیت از امکاناتی است که در آخرت به آدمی هیئت انسانی می بخشد. کسی که در دنیا نتوانسته به اقتضای انسانیت خود عمل کند در آخرت علیرغم اشتها و تمایلی که به بهره مندی های آن عالم دارد از برخورداری از آنها محروم است. پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم ذیل آیه شریفه "یا حسرتنا علی ما فرطنا." فرمودند: «منظور حسرتی است که گریبان اهل جهنم را به هنگام مشاهده ی منازل اهل بهشت می گیرد.»^۶

پی نوشت:

(۱) مفردات راغب ، ص ۳۵۵

(۲) همان

(۳) شرح چهل حدیث، امام خمینی، ص ۴۳۹

(۴) شرح چهل حدیث، امام خمینی، ص ۱۵

(۵) علم الیقین، ج ۲، ص ۹۰۱

(۶) میزان الحکمه، ج ۲، ص ۱۷۹

عنوان بحث: « فَوَيْلٌ لِلْمُصَلِّينَ »: نمازگزاران مکذّب دین

با توجه به مفهوم «فاء» و «ویل» در «فویل» ، نمازگزارانی که وصفشان در آیات بعد آمده است (عن صلاتهم ساهون ، یراؤون ، و یمنعون الماعون) جزء تکذیب کنندگان دین شمرده می شوند.

بنابراین، اشتغال ظاهری به انجام فریضه ی نماز مانع از تحقق حقیقت تکذیب دین نیست. و خطاب «أرأیت» نیز چنانکه توضیح داده شد به همین لحاظ آمده است تا مخاطب نسبت به این گونه نمازگزاران بصیرت پیدا کند که «بسا عبادت کننده ای که دین ندارد.»^۱

ما خود را در شمار مصلین می پنداریم و حال آنکه این آیات هشدار می دهد که برای همگان که نسبت به خود قضاوتی صحیح داشته، بدانند که اگر رذایلی که سوره به آنها اشاره دارد حتی در نمازگزاران ظهور یابد ایشان را در شمار مکذبین دین درخواهد آورد.

دانستیم که وجود یتیم و مسکین موجب ظهور صفات انسانی شده، به آدمی هئیت انسانی می بخشد. از سوی دیگر این درواقع خود انسان است که برای دستیابی به حیات طیبیه نیازمند ظهور این صفات است. پس به عبارتی یتیم و مسکین واقعی خود انسان است.

از جمع بندی این مطالب می توان چنین استنباط کرد که یکی از ثمرات یتیم نوازی و کمک به مساکین تحصیل عروج در نماز است. چرا که این عروج، حقیقت نماز و مبتنی بر انسان بودن حقیقی است. حضرت امام رحمه الله علیه در این خصوص می فرمایند: «تو قامت مستقیم و صورت خوش ترکیب ملکی داری، میزان ملکوت و باطن غیر از این است. باید استقامت باطنی پیدا کنی تا مستقیم القامه در قیامت باشی.»^۲

در نگاهی عمیق تر و با توجه به معنای یتیم و مسکین معنوی و حقیقی می توان گفت حقیقت نماز با حقیقت باطنی و معنوی یتیم نوازی و اطعام مساکین قابل انطباق است.

بدین معنی که حقیقت اطعام مسکین و استقبال از ایتام در عروج معنوی انسان در نماز ظهور می یابد. که همان بهره مند شدن از اطعام معنوی باری تعالی و مورد استقبال و پذیرش خدای سبحان قرار گرفتن است.

به بیانی دیگر: با اهتمام به نودوستی و احسان، که در واقع احسان به خود است، انسان اطعام می شود و از جمله طعام این خوان گسترده، نماز اوست که رزق معنوی محسوب می شود.

همان طعامی که پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) خود را طالب آن خوانده می فرماید: «خداوند جل ثناؤه نور دیده ی مرا در نماز قرار داد و نماز را محبوب من گردانید، همچنان که غذا را محبوب گرسنه و آب را محبوب تشنه (با این تفاوت که) گرسنه هرگاه غذا بخورد سیر می شود و تشنه هرگاه آب بنوشد سیراب می شود اما من از نماز سیر نمی شوم.»^۲

بنابراین، می توان بی روح بودن نماز را نتیجه ی عدم رسیدگی به مساکین، و عدم پذیرش الهی را نیز نتیجه ی عدم پذیرش ایتام در زندگی دانست .

نقل است از رسول مکرم اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) که درباره حضرت ابراهیم (علیه السلام) فرمودند: «خداوند ابراهیم را خلیل خود نکرد مگر از آن ک رو که مردم را اطعام می کرد و شب هنگام که مردم خفته بودند او نماز می خواند.»^۴

و این بیانگر تأثیر فوق العاده احسان و نیکوکاری در رسیدن آدمی به مقامات عالیه معنوی است.

پی نوشت:

۱) امام علی (علیه السلام)، میزان الحکمه، ج ۷، ص ۳۱۲۲

۲) شرح چهل حدیث، امام خمینی، ص ۱۶

۳) میزان الحکمه، ج ۷، ص ۳۰۹۲

۴) میزان الحکمه، ج ۵، ص ۴۱۷ و سوره فجر، آیات ۱۶-۱۸